# شاهد اول از جواهر

فرمودهاند:

> **فروع لو قال: إن كان مالي الغائب باقيا فهذه زكاته، وإن كان تالفا فهي نافلة صح بلا خلاف أجده بين من تعرض له منا، بل في فوائد الشرائع لا مانع من صحته بوجه من الوجوه، بل عن الشيخ الإجماع عليه ولا كذا لو قال: أو نافلة لكون التردد حينئذ في النية، بخلاف الأولى فإنه في المنوي، وهو غير قادح، لأنه جازم بالوجوب على تقدير سلامة المال، وبالنفل على تقدير تلفه**[1]

**«فروع لو قال : إن كان مالي الغائب باقيا فهذه زكاته»؛** یک مالی داشته که غایب است. **نمیداند** از بین رفته یا نه. مالی است که حاضر است. اشاره به این مال حاضر **میکند** و **میگوید** اگر آن مال غایب من باقی است، این زکاتش میشود. **«وإن كان تالفا فهي نافلة»؛** اگر تلف شده، این مستحب باشد. محقق میفرمایند: «**صح**». صاحب جواهر هم میفرمایند: «**بلا خلاف**»؛ یعنی تردید در نیت نیست. **«بل في فوائد الشرائع لا مانع من صحته بوجه من الوجوه، بل عن الشيخ الإجماع عليه».**

**«ولا كذا»؛** این متن شرایع است. یعنی صحیح نیست، **«لو قال: أو نافلة»؛** روشن است. میگوید: **«ان کان مالی الغائب باقیا فهذه زکاته او نافلة»؛** اگر مال من باقی است این مال من یا زکات باشد یا نافله باشد. خب حالا کدامش است؟ میگویند این باطل است و این تردید در نیت است. من مثال آن را عرض میکنم. میخواهد وصیت کند، میگوید وقتی من وفات کردم اگر پسرم زید ازدواج نکرده این مال برای او. این کتاب برای او. و الا برای پسرم عمرو باشد. این تردید در نیت است؟ میگویند نه. تردید در نیت نیست. اما اگر همینجا بگوید این مال یا برای پسرم زید یا برای پسرم عمرو. عرف از این چه میفهمند؟ تردید میفهمند و میگویند این درست نیست. چه گفتی؟! این مال یا برای پسرم زید یا برای پسرم عمرو است. این مصداق روشن تردید در نیت است. در زکات هم فرمودهاند. «لکون التردد حینئذ فی النیة بخلاف الاولی فانه فی المنوی و هو غیر قادح».

---

[1] همان ج۱۵ ص۴۷۹

---

بازبینی #1
ایجاد شده 21 مه 2026 13:02:58 توسط ... .
به روزرسانی شده 21 مه 2026 13:06:11 توسط ... .